

حقوق مظنون در مرحله کشف جرم در نظام جزایی افغانستان

عبدالخالق فصیحی^۱

چکیده

حقوق مظنون از مباحث مهم اصول اجرائات جزایی به شمار می‌رود. حقوق مظنون بر اصل برائت، رعایت کرامت انسانی و اصل عدالت و امنیت قضایی مبتنی است. در افغانستان حقوق مظنون عمدتاً در قانون اساسی، قانون اجرائات جزایی و متون فقهی انعکاس یافته است. حقوق مظنون و متهم را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: (۱) قبل از محاکمه، (۲) در جریان محاکمه، (۳) پس از محاکمه. حقوق مظنون در مرحله قبل از محاکمه نیز دو بخش حقوق مظنون در مرحله کشف و حقوق مظنون در مرحله تحقیق را در برمی‌گیرد. مرحله کشف جرم از حساسیت بالایی در فرایند جزایی برخوردار است؛ زیرا معمولاً شالوده و تهداب دوسیه جزایی در این مرحله شکل می‌گیرد. مقاله حاضر با توصیف و تحلیل اسناد و مدارک و آثار حقوقی، به تبیین حقوق مظنون در مرحله کشف جرم در حقوق افغانستان پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان در قانون اساسی و قانون اجرائات جزایی تلاش کرده تا معیارها و موازین بین‌المللی را درباره حقوق مظنون به رسمیت بشناسد و از آن تبعیت نماید.

کلیدواژه‌ها: حقوق مظنون، مرحله کشف جرم، قانون اصول اجرائات جزایی افغانستان

۱. دکترای فقه و حقوق قضایی، دانشکده فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

ایمیل: fasihi2513@gmail.com

مقدمه

افرادی که در مرحله کشف جرم از سوی مراجع کشف جرم در مظان اتهام قرار دارند، از مجموعه حقوقی برخوردارند که در اسناد ملی و بین‌المللی انعکاس یافته است. این دسته از افراد از آنجا که معمولاً زیر نظر یا در توقیف قرار دارند، ضریب نقض حقوقشان از سوی مراجع کشف جرم بسیار بالا است. از سوی دیگر کشف جرم، نخستین و مهم‌ترین مرحله از مراحل پنج‌گانه رسیدگی جزایی است. کشف جرم یکی از حساس‌ترین مراحل فرایند جزایی است که در آن تهداب و اساس رسیدگی‌های جزایی شکل می‌گیرد؛ زیرا تا جرمی کشف نشود، ماشین دادرسی جزایی به حرکت در نمی‌آید. از همین روی برای تأمین عدالت در دادرسی‌های جزایی نظام‌های مختلف جزایی، برای صیانت از حقوق مظنون در مرحله کشف جرم، موازین و معیارهایی را تعریف کرده‌اند. حقوق مظنون بر اصل براءت، رعایت کرامت انسانی و اصل عدالت و امنیت قضایی مبتنی است. حقوق مظنون و متهم را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد؛ (۱) قبل از محاکمه، (۲) در جریان محاکمه، (۳) پس از محاکمه. حقوق مظنون در مرحله قبل از محاکمه نیز دو بخش حقوق مظنون در مرحله کشف و حقوق مظنون در مرحله تحقیق را در بر می‌گیرد. قانون‌گذار افغانستان نیز در راستای اجرای عدالت و انصاف و تأمین حقوق مظنون در چرخه عدالت جزایی، تلاش کرده تا خود را با موازین و معیارهای حقوق جزای مدرن، هماهنگ نماید. موازین و معیارهای مذکور در قانون اساسی مصوب ۲۰۰۴ و قانون اصول اجرائات جزایی به‌روشنی بیان شده است.

۱. مفاهیم

از آنجا که تعاریف، اساس مفروضات، نظریه‌ها و نظریه‌پردازی‌ها قرار می‌گیرند، بحث پیرامون اصطلاحات در هر حوزه علمی و ارائه تعریف یا چهارچوب مشخص از مفاهیم مرتبط با آن حوزه علمی ضرورت پیدا می‌کند. مقاله حاضر نیز با درک این ضرورت برای به دست دادن زبانی مشترک و هم‌زمینه‌چینی برای ورود به اصل بحث، به تعریف پاره‌ای از مفاهیم که شناخت آن‌ها در فهم بیشتر و بهتر مقاله کمک می‌کند، پرداخته است.



۱-۱. مظنون

واژه مظنون در لغت به معنای گمان برده شده آمده است. گاهی این واژه را به معنا گمان برنده یعنی به جای ظان نیز به کار می‌برند. مشکوک، مورد شک و گمان واقع شده، نامعلوم و نامحقق و یقین نشده و شبهه دار، پنداشته شده، ظنین و متهم نیز از دیگر معانی این واژه است. (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه) در ادبیات حقوقی، مظنون به شخصی اطلاق می‌شود که به دلیل ارتکاب جرم به او شک و سوءظن وجود دارد. درحالی که دلایل محکمه‌پسند راجع به انتساب جرم به او هنوز به دست نیامده است. به بیان دیگر مظنون فردی است که بر اساس امارات و قراین معقول و مستندات موجود، گمان می‌رود که مرتکب جرم شده است، هرچند اطمینان و یقینی دال بر این که جرم از سوی او ارتکاب یافته باشد، موجود نیست. بر پایه جزء ۱۱ ماده ۴ قانون اجرائات جزایی: «مظنون، شخصی است که به اساس سوءظن به نسبت ارتکاب جرم تحت اشتباه قرار گرفته یا این که قبل از نسبت دادن اتهام به وی در مورد او تدابیر احتیاطی اتخاذ شده باشد».

۱-۲. کشف جرم

کشف جرم به مجموع فعالیت‌ها و اجرائات تخنیکی گفته می‌شود که به منظور دریافت واقعیت‌ها، یا حقایق جرمی توسط ارگان کشف در مطابقت با احکام قانون صورت گرفته و منتج به تداوم کار تحقیقاتی و قضایی می‌گردد. (حسین خیل، ۱۳۹۴: ۲۰) کشف جرم برابر جزء ۱ ماده ۴ قانون اجرائات جزایی افغانستان عبارت است از: «اجرائاتی است که به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم و تشخیص مرتکب آن، نحوه و علت ارتکاب، تشیت محل و حفظ آثار و اشیای متعلق به جرم ارتکاب یافته صورت می‌گیرد».

این نکته قابل یادآوری است که در این تعریف قانون‌گذار از کشف جرم، اشکالی وجود دارد، مبنی بر اینکه جلوگیری از جرم را در تعریف کشف جرم آورده است، در حالی که جلوگیری از جرم مرحله قبل از وقوع و کشف جرم است. بنابراین عبارت جلوگیری از ارتکاب جرم جزء تعریف کشف جرم نمی‌تواند باشد.

۲. حقوق مظنون در مرحله کشف جرم

مرحله کشف جرم مرحله حساسی در روند دادرسی کیفری است؛ زیرا شالوده و تهداب دوسیه جزایی در این مرحله منعقد می‌شود. از همین روی، نظام‌های مختلف حقوقی برای مظنون در این مرحله، مجموعه حقوقی را برشمرده‌اند که باید از سوی مراجع قانونی رعایت شود. در حقوق افغانستان نیز این حقوق به‌طور گسترده‌ای انعکاس یافته است که در این بخش به بررسی و ارزیابی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. حق آزادی و امنیت شخصی

حق مذکور از حقوق اساسی افراد در هر جامعه و کشوری است. این حق به‌عنوان تضمینی بر دادرسی عادلانه در امور جزایی در اسناد ملی و بین‌المللی به‌وضوح مشاهده می‌شود. حق آزادی و امنیت شخصی مبتنی بر اصولی چون برائت، رعایت کرامت انسانی و تساوی افراد در برابر قانون است. بر پایه این حق، به آزادی و امنیت شخصی افراد نمی‌توان تعرض کرد مگر این‌که مجرمیت او از مجاری قانونی به اثبات رسیده باشد؛ اما گاه به دلیل تأمین عدالت و حفظ نظم به‌صورت استثنایی از حق مذکور عدول می‌شود. با توجه استثنایی بودن عدول از حق آزادی و امنیت شخصی باید عدول در چارچوب قانون بوده و در مدت سلب آزادی به حداقل اکتفا شود. (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۷۷) سلب آزادی به‌عنوان یک استثنا در قوانین و اسناد داخلی به‌وضوح انعکاس یافته است. فلسفه استثنایی بودن سلب آزادی مظنون، تقابل آن با اصل برائت و حق آزادی و امنیت شخصی است.

مدت نظارت و سلب آزادی مظنون در نظام‌های قضایی مختلف است. قانون اجرائات جزایی افغانستان در ماده ۸۷ مقرر می‌دارد: «پلیس مکلف است حداکثر الی ۷۲ ساعت بعد از گرفتاری مظنون محضر اجرائات را با اوراق، اسناد و دلایل جمع‌آوری شده رسماً به ثارنوالی ارائه نمود و مظنون را نیز غرض تحقیق به ثارنوالی مربوط بسپارد».

گرفتاری مظنون باید در چهارچوب قانون و مطابق با قوانین و مقررات نافذ کشور باشد. ماده ۲۷ قانون اساسی مصوب ۲۰۰۴ م در این زمینه مقرر می‌نماید: «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی‌توان تعقیب، گرفتار یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی‌توان



مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد».

با توجه به ماده ۲۷ قانون اساسی افغانستان مصوب ۲۰۰۴ م. گرفتاری و توقیف خودسرانه ممنوع است و هرگونه گرفتاری و توقیفی باید مطابق احکام قانون باشد. بنابراین اگر فردی بدون دلیل و توجیه قانونی توقیف و سلب آزادی گردد، به حق آزادی و امنیت شخصی او تعرض شده و متجاوز مطابق مواد ۵۸۵ تا ۵۸۹ کد جزای افغانستان، قابل مجازات خواهد بود.

۲-۲. مصونیت از توهین و شکنجه جسمی و روانی

شکنجه به معنای ایذا، آزار، رنج و تعذیب به دو نوع جسمی و روانی قابل تقسیم است. شکنجه در اصطلاح حقوقی عبارت است از ایراد آسیب عمدی جسمی یا روحی از سوی مأمور رسمی دولت به مظنون یا شخص دیگری برای کسب اطلاعات و اعتراف. (موسوی، ۱۳۸۲: ۶۲) مصونیت از شکنجه، توهین و تحقیر و دیگر انواع برخوردهای غیرانسانی از بنیادی‌ترین حقوق مظنون به شمار می‌رود. این حق در قوانین اساسی و عادی افغانستان به روشنی بیان شده است. قانون اساسی افغانستان مصوب ۲۰۰۴ در ماده ۱۹ مقرر می‌دارد: «تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف یا محکوم به جزا شده باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزای که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است».

ماده ۱۹ قانون اساسی، توسل به شکنجه را هرچند به منظور کشف حقیقت باشد، ممنوع کرده است. همچنین مباشرت و معاونت در شکنجه توأمان، ممنوع اعلام شده است. مبنای مصونیت از شکنجه، توهین و تحقیر کرامت ذاتی انسان است که در آن همه انسان‌ها مساوی هستند. قانون اصول اجرائات جزایی نیز به پیروی از قانون اساسی، در بند ۳ ماده ۷ مقرر می‌دارد: «مصونیت از توهین، تحقیر، تعذیب جسمی و روانی و هرگونه برخورد غیرانسانی».

ضمانت اجرایی ممنوعیت شکنجه، توهین و تحقیر ماده ۴۴۸ کد جزا است. در ماده مذکور قانون‌گذار مقرر کرده است که اگر موظف خدمات عامه، با استفاده از صلاحیت

وظیفوی خود باعث آلام جسمی یا هتک حیثیت و آبروی دیگران گردد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار افغانی تا یک صد و بیست هزار افغانی محکوم می‌گردد. از دیگر موادی که می‌توان به عنوان ضمانت اجرای ممنوعیت شکنجه از آن استفاده کرد، مواد ۴۵۰ و ۴۵۱ کد جزا است که از خلال آن سیاست جنایی سختگیرانه افغانستان در قبال جرم شکنجه، به خوبی نمایان می‌شود.

۲-۳. حق مطلع شدن فامیل و اقارب مظنون از بازداشت وی

مراجعی که قانوناً حق بازداشت افراد مظنون را دارند؛ مانند پلیس و نیروی‌های امنیت ملی باید بلافاصله پس از بازداشت مظنون به فامیل و اقارب وی اطلاع‌رسانی کنند. این حق از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق مظنون به شمار می‌رود. اطلاع‌رسانی سریع مرجع بازداشت‌کننده، خانواده و خویشان مظنون را از پریشانی و سرگردانی نجات می‌دهد و برای آن‌ها زمینه گردآوری اسناد و مدارک را برای اثبات بی‌گناهی مظنون فراهم می‌کند. همچنین خانواده مظنون می‌توانند برای مظنون وکیل مدافع استخدام نمایند. (استانکزی، ۱۳۹۴: ۵۲) قانون اصول اجرائات جزایی افغانستان حق یاد شده را در جزء ۴ ماده ۷ به رسمیت شناخته است؛ در این جزء آمده است: «دادن اطلاع به فامیل یا اقارب وی حین گرفتاری از طرف مرجع گرفتارکننده».

در افغانستان حق اطلاع‌رسانی به خانواده و اقارب مظنون به درستی رعایت نمی‌شود، به‌ویژه در جرائم امنیتی این حق مظنون پایمال می‌گردد. به نظر می‌رسد دلیل عمده نقض این حق، فقدان ضمانت اجرا برای ناقضان این حق است. قانون‌گذار در هیچ قانونی برای کسانی که حق اطلاع‌رسانی را رعایت نمی‌کنند، مجازاتی در نظر نگرفته است.

۲-۴. حق تفهیم اتهام

مظنون حق دارد بداند چه جرمی به او نسبت داده شده است. تفهیم اتهام به این معنا است که مظنون از جرمی که به او نسبت داده شده و دلایل، مدارک و مستندات آگاهی یابد تا بتواند به نحو شایسته از خود دفاع کند. در توجیه چنین حقی باید گفت که مظنون با تفهیم اتهام از موضوع اتهام علیه خود، آگاه شده و این آگاهی به او فرصت می‌دهد تا خود را برای



دفع اتهام آماده کند. ضرورت وجودی این حق برای مظنون و متهم به این دلیل است که او با تفهیم اتهام، از موضوع اتهام علیه خود، آگاه شده و این آگاهی به او این فرصت را می دهد تا امکانات دفاعی لازم را برای رد اتهامات وارده فراهم کند. فقدان چنین حقی فرایند دادرسی عادلانه و منصفانه را با چالش مواجه می کند؛ زیرا دفاع مظنون از خود در برابر جرم انتسابی فرع بر اطلاع و آگاهی از جرم منتسب است. (درافشان، ۱۳۸۹: ۲۷)

قانون اساسی افغانستان همسو با قوانین و اسناد بین المللی در ماده ۳۱ به صراحت از حق تفهیم اتهام نام برده است. قانون اجرائات جزایی نیز در جزء ۱ ماده ۷ دانستن جرم نسبت داده شده و کسب توضیحات در مورد اتهام و اجرائات قضیه را جزء حقوق مظنون دانسته است. قانون اجرائات جزایی علاوه بر تفهیم اتهام، دلایل و توضیحات اتهام را از حقوق مظنون می داند که در ماده ۳۱ قانون اساسی، ذکر نشده است. (علامه، ۱۳۹۸: ۱۳۵)

۵-۲. حق سکوت

یکی از شاخصه های حقوق دفاعی مظنون، حق سکوت یا توانایی مظنون در ساکت ماندن، در مقابل تحقیقات ارگان های عدلی و قضایی راجع به اتهام وارده به وی است. برخورداری از این حق، موجب می شود که مظنون بتواند با تمسک به چنین ابزاری، از حداقل امکان برای تضمین حقوق دفاعی خویش بهره مند باشد، بدون این که تکلیفی برای وی به همکاری با مقامات عدلی و قضایی وجود داشته باشد. مظنون در پرتو این حق، به عنوان یکی از ابزارهای تأمین حقوق و آزادی های شهروندی، می تواند در مقابل سؤال های مقامات عدلی و قضایی ساکت بماند، بدون این که ملزم به پاسخگویی و افشای اسرار شخصی خویش به آن ها به ضرر خود باشد.

حقوق دانان برای حق سکوت عمدتاً چهار مبنا ذکر کرده اند:

۱. اصل برائت: این مبنا، اصلی ترین توجیه برای حق سکوت است. بر پایه این مبنا مظنون تا زمانی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگرفته است بی گناه تلقی می شود. بنابراین استنطاق و بازجویی از مظنونی که اصل برائت از وی حمایت می کند بدون رضایتش امری غیرموجه و نادرست به شمار می رود. در این صورت اگر مظنون نخواهد داوطلبانه به پرسش ها پاسخ دهد نمی توان وی را مجبور به پاسخ نمود.

۲. اصل آزادی اختیار و اراده: مبنای دوم حق سکوت مظنون، اصل آزادی اختیار و اراده است تا زمانی که مظنون آزادانه به اقرار نپردازد، سایر اقرارها مانند اقرارهایی که بر اثر شکنجه و فشار روانی گرفته می‌شود، وجاهت قانونی نخواهد داشت.

۳. قاعده البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر: مطابق این قاعده فقهی، اثبات ادعا بر عهده مدعی (مقامات عدلی و قضایی) است و مدعی علیه (مظنون) وظیفه‌ای برای اثبات بی‌گناهی خود ندارد.

۴. بر اساس مبنای چهارم هیچ شخصی مجبور نیست تا علیه خود به ارائه دلیل بپردازد یا به عبارت دیگر مجرمیت خود را به اثبات برساند. (ایثار، ۱۳۹۵: ۱۲)

در قانون اساسی افغانستان از حق سکوت به صراحت نامی برده نشده است؛ اما قانون اجرائات جزایی در جزء ۷ ماده ۷ استفاده از حق سکوت و امتناع از هرگونه اظهارات را در زمره حقوق مظنون در مراحل مختلف تعقیب عدلی ذکر کرده است. از آنجا که شالوده و اساس دوسیه جزایی در مرحله توقیف شکل می‌گیرد، مراجع عدلی و قضایی باید در این مرحله حقوق قانونی مظنون را به دقت بررسی و رعایت نمایند. عدم دقت در حقوق مظنون در مرحله توقیف منجر به انحراف دوسیه جزایی و بی‌عدالتی قضایی خواهد شد. (حکیمی و عبادی، ۱۳۹۲: ۵۰)

۶-۲. حق داشتن مترجم

یکی از حقوق مظنون که در اسناد ملی و بین‌المللی به آن اشاره شده، حق داشتن مترجم است. این حق از آنجا ناشی می‌شود که ممکن است مظنون تبعه کشور خارجی باشد یا تبعه داخلی باشد، ولی بر زبان رسمی کشور تسلط کافی نداشته باشد تا به سؤالات پاسخ دهد و از محتویات و اوراق دوسیه آگاهی پیدا کند. قوانین اساسی و عادی افغانستان، حق داشتن مترجم را برای مظنون برای تأمین عدالت و برابری سلاح‌ها در تمام مراحل تعقیب جزایی امری لازم می‌داند. (حسین خیل، ۱۳۹۴: ۳۰) ماده ۱۳۵ قانون اساسی افغانستان مصوب ۲۰۰۴ م. در این زمینه مقرر می‌دارد: «اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می‌گیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری، توسط ترجمان برایش تأمین می‌گردد».



حق داشتن مترجم در قانون تشکیل و صلاحیت‌های قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۲ نیز انعکاس یافته است. در این ماده اداره مساعدت‌های حقوقی مسئول تأمین مترجم معرفی شده است. ماده ۱۱ قانون اجرائات جزایی در دو فقره به تفصیل حق داشتن مترجم برای مظنون را مطرح کرده است:

۱. پلیس، سارنوال و محکمه مکلفند که برای مجنی علیه، مظنون و متهمی که زبان مورد استفاده در اجرائات تعقیب عدلی را نداند یا کر یا گنگ باشد، زمینه حضور ترجمان را میسر سازند. برای اشخاص بی بضاعت در احوال مندرج ماده دهم این قانون به مصرف دولت ترجمان استخدام می‌گردد.

۲. ترجمان مکلف است موضوع محوله را طور دقیق ترجمه نماید. در صورتی که ترجمه غلط، متناسب به نتایج به بار آورده، طبق احکام قانون مورد تعقیب عدلی قرار می‌گیرد.

از فقره ۲ ماده ۱۱ قانون اجرائات جزایی به دست می‌آید که مترجم مکلف است تا در ترجمه از دقت کار گرفته و در صورت ایراد ضرر و زیان به حقوق مظنون، مورد تعقیب عدلی قرار خواهد گرفت. در این زمینه ماده ۴۷۲ کد جزا نیز برای مترجمی که در ترجمه خیانت کرده و خلاف واقع مطالب را ترجمه کند، به حبس متوسط تا سه سال محکوم خواهد شد و اگر ترجمه اشتباه منجر به فرار شخص از تعقیب یا عدم تطبیق عدالت گردد، مترجم به حداکثر حبس متوسط محکوم می‌شود.

۷-۲. حق داشتن وکیل

وکیل مدافع شخص حقوقدان و قانوندان است که با مظنون و متهم یا مدعی و مدعی علیه مساعدت حقوقی نموده و به نیابت از آن‌ها از طریق وکالت در برابر سارنوال از مدعی یا مدعی علیه در محاکم ثلاثه دفاع می‌کند؛ زیرا دفاع از عدالت و مساوات از وظایف یک وکیل مدافع مسلکی است و یک وکیل مسلکی و دارای اوصاف با ارائه اسلوب دفاع خویش، قاضی را در میدان عدالت رهنمایی می‌نماید. (استانکزی، ۱۳۹۰: ۲۴) در بیشتر اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر، دادرسی عادلانه و معیارهای آن به چشم می‌خورد. دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که اصول و قواعد خاص بر فرایند رسیدگی دعوی کیفری حاکم باشد تا این فرایند به اهداف خود دست یابد.

این نوع دادرسی جلوه‌های متعدد دارد که یکی از آن‌ها حق برخورداری مظنون از معاضدت وکیل مدافع در فرایند دادرسی کیفری است. حق دفاع، از جمله حقوق فطری انسان است و اجرای کامل عدالت در هر مخاصمه‌ای درگرو امکان استفاده طرفین دعوا از امکانات دفاعی برابر است. وکالت ابزاری است در جهت تحقق این هدف و تأمین یک دادرسی عادلانه که نهایتاً به ارضای میل عدالت‌خواهی بشر منجر شده است. شاید این شعار که «فرشته عدالت با دو بال وکالت و قضاوت قادر به پرواز است»، رساترین تعبیر از ارتباط تنگاتنگ وکالت با تأمین عدالت در جامعه باشد. به این دلیل وکالت در دعاوی ارزش و سابقه‌ای به قدامت پیدایش نهاد دادرسی حتی در ابتدایی‌ترین شکل آن، در جوامع بشری دارد. (رسولی، ۱۳۹۵: ۳۰)

حضور وکیل مدافع در مرحله کشف جرم در روند تعقیب عدلی نقش بسیار ارزنده دارد. ازاین‌رو اسناد ملی و بین‌المللی وجود وکیل مدافع را یکی از حقوق مظنون شمرده است. در این مرحله در صورتی که بر اثر اشتباه، عدم مسلکی بودن یا غرض سوءاستفاده مأموران کشف جرم، بالای مظنون ظلمی صورت بگیرد و دوسیه آن‌ها با نقض حقوقشان به دادستانی ارجاع شود، ممکن است مسئولان تحقیق نیز با چنین اسناد و مدارک فاقد حقیقت، به گمراهی رفته و پرونده را به محکمه ارجاع نماید که تا ثابت شدن حقیقت، حقوق مظنون نقض می‌شود. بنابراین وجود وکیل مدافع باعث جلوگیری از تلف شدن حقوق مظنون شده و در صورت مشاهده نواقص از جانب مسئولان کشف جرائم، وکیل مدافع به‌طور اصولی و با استفاده از صلاحیت‌های قانونی خویش به دفاع از مظنون برمی‌خیزد.

وجود وکیل مدافع یا مساعد حقوقی در مرحله کشف جرم از دو نگاه، ارزش و اهمیت خاص دارد: (۱) از لحاظ تفهیم حقوق مظنون؛ (۲) نظارت بر رعایت حقوق مظنون و عدم نقض آن. (حسین خیل، ۱۳۹۴: ۳۱). قانون اساسی افغانستان مصوب ۲۰۰۴ حق برخورداری مظنون از وکیل مدافع را به رسمیت شناخته است. ماده ۳۱ قانون اساسی تصریح می‌کند: «هر شخص می‌تواند برای دفع اتهام به‌مجرد گرفتاری یا برای اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد به‌مجرد گرفتاری از اتهام منسوبه اطلاع یابد و در داخل میعاد تعیین می‌کند در محکمه حاضر گردد. دولت در قضایای جنایی



برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می‌کند».

علاوه بر قانون اساسی، ماده ۱۶ قانون تشکیل و صلاحیت‌های قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان و جزء ۸ ماده ۷ قانون اجرائات جزایی حق داشتن وکیل مدافع و مساعد حقوقی را برای مظنون به صراحت مطرح کرده‌اند. قانون تخلفات اطفال نیز در ماده ۲۲ مقرر می‌کند: «طفل در تمام مراحل کشف، تحقیق و محاکمه حق داشتن مطالبه وکیل مدافع و ترجمان را دارد. در صورت عدم توانایی مالی والدین یا ممثل قانونی طفل مبنی بر استخدام وکیل یا ترجمان محکمه اختصاصی اطفال وکیل مدافع یا ترجمان را به مصرف دولت برای طفل، موظف می‌نماید».

۲-۸. حق تساوی سلاح‌ها

اصل تساوی سلاح‌ها یکی از مصادیق اصلی تساوی طرفین در فرآیند دادرسی جزایی است. اصل تساوی سلاح‌ها، به معنای برابری امکانات طرفین رسیدگی در دادرسی جزایی، در دفاع از خود است. این اصل نخستین بار در تصمیمات کمیسیون (سابق) اروپایی حقوق بشر و سپس در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر به کار گرفته شد که از آن به عنوان یکی از ارکان مهم دادرسی عادلانه تعبیر شده است. اصل تساوی سلاح‌ها یک اصل کلیدی از سیستم عدالت جزایی بین‌المللی است. پس ضروری است که در نخستین مواجهه مظنون، متهم، بزه دیده و دادستان، دستگاه عدالت جزایی در مرحله تحقیقات مقدماتی که بنیان‌گذار و پایه‌ریز صدور یک رأی است، امکانات و حقوق این اشخاص را مشخص و رعایت نموده و تضمین‌های لازم برای رعایت آن‌ها را ارائه دهد. اصل تساوی سلاح بخشی از مفهوم گسترده‌تر از یک محاکمه عادلانه است که بیان می‌دارد در یک دادرسی عادلانه و به دور از رسیدگی خصمانه، فرصت دستیابی به تمام شواهد و ادله واصله برای طرفین دعوی در دادرسی، موجود باشد. این اصل دارای دامنه گسترده‌ای و در طول تمام مراحل دادرسی جزایی قابل اجرا است، حتی در تحقیقات اولیه پلیس. در مرحله تحقیقات مقدماتی برخی از تضمین‌های اساسی این اصل پیش‌بینی شده است.

قانون‌گذار افغانستان در قانون اجرائات جزایی حق تساوی سلاح‌ها را برای مظنون و متهم در تمامی مراحل تعقیب جزایی به رسمیت شناخته است. تساوی سلاح‌ها در تمام

مراحل تعقیب جزایی برای تأمین دادرسی عادلانه گام مهمی به شمار می‌رود؛ اما در مقام عمل متأسفانه تساوی سلاح‌ها توسط مراجع کشف جرم، سارنوالان و قضات کمتر رعایت می‌گردد. قانون اجرائات جزایی افغانستان راجع به حق تساوی سلاح‌ها برای مظنون مقرر می‌دارد که اظهار مطالب و ارائه دلایل به صورت آزادانه و ارائه اسناد، مدارک و شهود، استجواب از شهودی که علیه وی شهادت داده‌اند جزء حقوق مظنون و متهم است. (علم استانکزی، ۱۳۹۴: ۵۲)

۲-۹. حق اظهارنظر پیرامون اشیای ضبط‌شده

از دیگر حقوق مظنون در مرحله کشف جرم، حق اظهارنظر راجع به اشیای ضبط‌شده است. حق مذکور معمولاً زمانی به میدان می‌آید که بر اثر بازرسی بدنی یا تفتیش اماکن؛ مانند منزل اشیا و اموال مشکوک به دست مراجع قانونی بیفتد. مبنای این حق به این صورت توجیه شده که در پرونده‌های جزایی، ممکن است اشیا و اموال ضبط‌شده متعلق به شخص دیگری غیر از مظنون باشد و شخص دیگر آن را نزد مظنون به امانت گذاشته باشد. این امکان هم وجود دارد که اشیا و اموال ضبط‌شده به جرمی که به مظنون نسب داده شده است، ارتباطی نداشته باشد. برای تبیین بیشتر این حق می‌توان به پرونده‌های قاچاق مواد مخدر استناد کرد که در آن انتقال مواد مخدر توسط وسایط نقلیه اجاره‌ای صورت می‌گیرد و ممکن است مالک وسیله نقلیه از نیت کاربری اجاره‌گیرنده بی‌اطلاع باشد. در صورتی که چنین شخصی از سوی مراجع قانونی دستگیر شود، قانون‌گذار به او حق داده است تا در مورد اشیای ضبط‌شده اظهارنظر کند. فقره ۲ ماده ۱۸۲ کد جزا مقرر می‌دارد: «حکم به مصادره، حقوق اشخاص ثالث را که صاحب حسن نیت باشند اخلال نمی‌کند».

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان در قانون اساسی و قانون اجرائات جزایی، تلاش کرده است تا معیارها و موازین بین‌المللی را درباره حقوق مظنون به رسمیت بشناسد و از آن تبعیت کند. قانون‌گذار افغانستان در این زمینه موفق بوده و توانسته حقوق مظنون را در اسناد حقوقی به‌خوبی انعکاس دهد. این حقوق در مرحله کشف جرم

عبارتند از حق آزادی و امنیت شخصی، حق اظهارنظر پیرامون اشیای ضبط‌شده، حق تساوی سلاح‌ها، حق داشتن وکیل، حق داشتن مترجم، حق سکوت، حق تفهیم اتهام، حق مطلع شدن فامیل و اقارب مظنون از بازداشت وی، مصونیت از توهین، تحقیر و شکنجه جسمی و روانی، حق آزادی و امنیت شخصی



فهرست منابع

۱. احمدی، محمد عارف (۱۳۹۶)، *دادرسی منصفانه*، تهران: نشر میزان.
۲. ایثار، خالد، (۱۳۹۵)، *محاكمه عادلانه در پرتو حقوق داخلی افغانستان و اسناد بین المللی حقوق بشر*، بی جا: بی نا.
۳. حسین خیل، سعدیه، (۱۳۹۴)، *حقوق مظنون و متهم*، پوهنتون کابل، جزوه درسی مرکز ملی آموزش حقوقی، بی جا: بی نا.
۴. رسولی، محمد اشرف، (۱۳۹۵)، *شرح و توضیح قانون اجراءات جزایی نشریه وزارت عدلیه*، کابل: انتشارات حامد رسالت.
۵. علامه، غلام حیدر، (۱۳۹۸)، *اصول محاکمات جزایی افغانستان*، کابل: نشر واژه.
۶. علم ستانکزی، محمد ظریف، (۱۳۹۲)، *اصول اجراءات و محاکمات جزایی مطابق قانون اجراءات جزایی*، قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۲.
۷. *قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان*، مصوب ۲۰۰۴ م.
۸. *قانون تخلفات اطفال*.
۹. *قانون تشکیل و صلاحیت های قوه قضاییه افغانستان*، مصوب ۱۳۹۲.
۱۰. *کد جزای افغانستان*، مصوب ۱۳۹۶.
۱۱. موسوی، سید عباس، (۱۳۸۲)، *شکنتجه در سیاست جنایی ایران*، سازمان ملل متحد و شورای اروپا، تهران: انتشارات خط سوم.

۱۳۴



۱۴۰۳ خزان و زمستان



شماره هشتم



سال چهارم



دوفصلنامه یافته های حقوقی

